

آثار تاریخی و رجال جوین (گویان)

تا اوایل قرن ہفتم ہجری قمری شہر نیشاپور اہم شہرہای خراسان (۱) و عاصمہ آن و مرکز حکمرانی خراسان بودہ و غالب شہرہائی کہ اکنون جزو خراسان کنونی است از توابع و نواحی نیشاپور محسوب می شدہ است و حتی مشہد (جلگہ طوس: طاہران و نوغان) نیز از نواحی نیشاپور بودہ و با قتل عام و خرابی نیشاپور در سال ۶۱۸ ہجری قمری بدست لشکر خونخوار و غارتگر مغول اہمیت نیشاپور سپری شد و بعداً بتدریج در قرون دیگر شہر مشہد بہ جای نیشاپور مرکز فرمانروائی خراسان گردید و اکنون نیز چنین است و نیشاپور و متعلقات آن منضم بہ استانداری خراسان می باشد .

از نواحی بسیار نزدیک بہ شہر سابق نیشاپور ، سہ بخش متصل بہم بنام : **اسفرائین** و **جوین** و **سبزوار** (**بیرہہ**) بودہ و پس از خرابی نیشاپور رفتہ رفتہ سبزوار عظمی یافت و اکنون شہرستان بزرگی است و جمعیت آن از نیشاپور کنونی بیشتر است و بخش جوین در حال حاضر از ملاحظات بہ سبزوار است و لیکن اسفرائین تا چندی قبل جزو شہرستان پھنورد بودہ و اخیراً اسفرائین را شہرستان تلقی کردہ اند . دہات اسفرائین در جلگہ دامنہ جنوبی کویہ شاہ جہان وقوع یافتہ و جلگہ جوین در قبلہ اسفرائین است و ہر دو جلگہ بہ موازات یکدیگر واقع شدہ و عرض آنها نسبت بہ طول آندو بسیار کم است . حدفاصل بین اسفرائین و جوین تپہای خاکی کم ارتفاعی است کہ کالی بنام کال شور در جنب تپہا نمایان است و مبدہ کال شور در قریہ **سلطان میدان** واقع در بخش سرولایت نیشاپور است و آب شور این کال پس از عبور از ناحیہای بنام **بام** و **صفی آباد** کہ از توابع سبزوار می باشد ہمہ جا شمال جلگہ جوین را طی کردہ و بہ طرف پل ابریشم واقع در راہ شوسہ طهران - مشہد ادامہ می یابد و عاقبت آب کال شور مزبور بہ کویر لوت مرکزی ایران منتهی می گردد .

فاصل بین جلگہ جوین و سبزوار کویہائی است کہ آبادیہای جوین در شمال و دہات سبزوار غالباً در جلگہ جنوبی کویہ مزبور وقوع دارد . اراضی جوین دارای دوشیب است

يك شیب شرقی و غربی و همان است که آب کال شور را بطرف پل ابریشم جریان می دهد و شیب دیگر از جنوب به شمال است و عبارت از آبریزهای کوه جنوبی جوین می باشد که در فصل بهار فاضل آب تمام جلگه جوین را به طرف کال شور هدایت می کند و فاضل آب تمام جلگه نیز به وسیله کال شور به کویر مرکزی می رود راه آهن مشهد طهران از وسط تقریبی طول جلگه جوین عبور کرده و ایستگاههای نغ آب و سبزوار و بیهق و آزادوار راه آهن مذکور در خاک جوین واقع شده است .

در خاک جوین واقع شده است .

جوین دارای چند رودخانه کوتاه بیلاقی است که زراعات دهات کوچکی را آبیاری می کند و بیشتر دهات جوین در جلگه و صحرا وقوع یافته و زراعت آنها با آب قنات است . قنوات جوین در دوردیف و در طول جلگه حفر شده بطوری که پیشکار و مادرچاه قنوات به طرف کوه جنوبی پیشرفت کرده و منظر کاریزها به طرف شمال و کال شور طرح ریزی گردیده است . دو ردیف قنوات مذکور و آنچه نزدیک تر به کوه است قنوات بالاصف و آن که نزدیک به کال شور است قنوات پائین صف می نامند و قنوات بالاصف غالباً به واسطه کمی بارندگی در سالهای متوالی بتدریج خشکیده و اراضی این قنوات لم یزرع مانده است و ایکن قنوات پائین صف که در وسط جلگه است دارای آب و زراعت و باغات میوه و تاکستان است . هوای جوین معتدل و تابستان آن کمی گرم و به طوری است که پنبه در آنجا حاصل خوب می دهد . اقسام میوه و زراعات بلاد معتدله در جوین یافته می شود و انگور مسکه (۱) جوین در درشتی و طعم کم ظنیر و در هیچیک از ولایات خراسان انگور مسکه مانند جوین دیده نمی شود . هندوانه دیمه جوین نیز بسیار شیرین و لطیف و وزن بعضی از آنها به پانزده کیلو گرم می رسد . در تمام جوین يك بند آجری کوچکی در علیای قریه کماستان وجود دارد که قبلاً با آب کوه دره حطیطه و زرقان (زرکان) در بهار آب گیری می شده و آسیاهائی در طول مسیر آب در گردش بوده است اکنون سالهاست که اهالی حطیطه و زرقان آب را در اراضی خود زیادتر به مصرف رسانیده و برای کماستان آبی نمی دهند و تا اندازه ای کمی بارندگی هم سبب شده که آب دره مذکور به بند کماستان نرسد و زیر بند هم به واسطه عدم مراقبت خراب و معیوب گردیده است .

در یکی از آبادیهای قدیمی جوین بنام خسرو شیر مسجد جامع بسیار عالی بوده که خراب شده و اکنون مختصری از دیوار ایوان مسجد باقی است و اگر مراقبت در حفظ وضع حاضر آن نشود قریباً باقیمانده بنا هم خراب خواهد گردید .

۱- کره را در خراسان مسکه می گویند و چون انگور مذکور بسیار لطیف و مطبوع است آن را « انگور مسکه » نامیده اند .



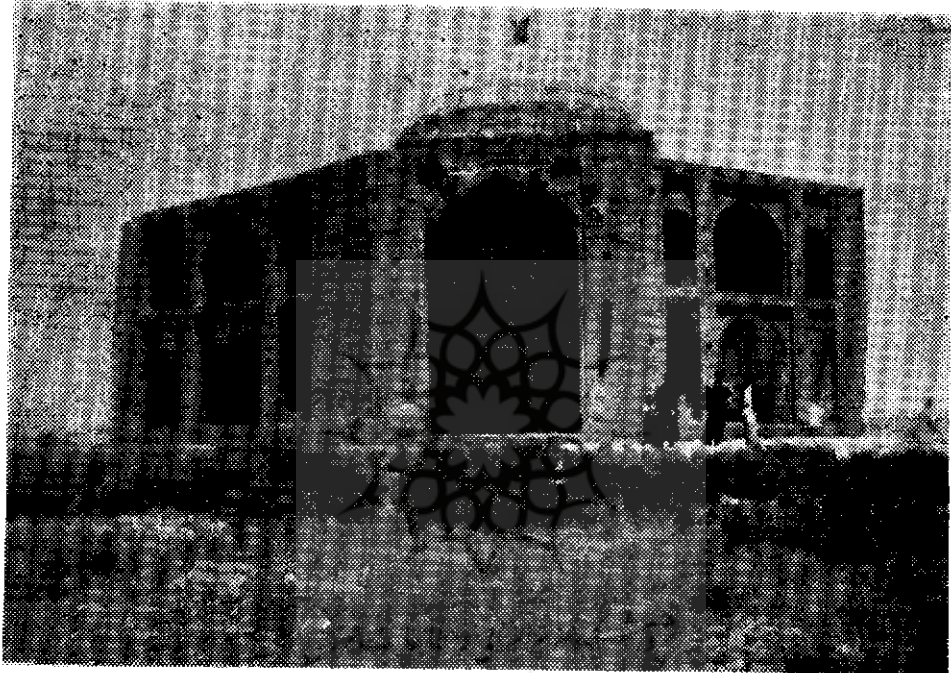
بقایای مسجد خسروشیر جوین

در سال ۱۳۲۸ شمسی که این بنده از باقی مانده مسجد خسروشیر عکس می گرفتیم بعضی از اهالی آنجا می گفتند که مناره مسجد تا چند سال قبل پا برجا بود و خراب شد و آجر مناره را اهالی دهات دیگر بردند .



کتیبه به خط کوفی با آجر پخته (مناره مسجد خسروشیر)

از نقوش و خطوط روکاری مناره تعدادی آجر پخته شده به شکل و هیئت حروف کوفی در روی زمین ریخته بود که چند عدد از آنها را پهلوی هم گذارده و عکس گرفته شد . در قصبه آزادوار جوین که سابقاً حاکم نشین آنجا بوده مقبره سید حسن غزنوی ملقب به اشرف (۱) واقع شده و سهامی از قریه آزادوار و سهامی از خلیل آباد و سهامی از پایاب

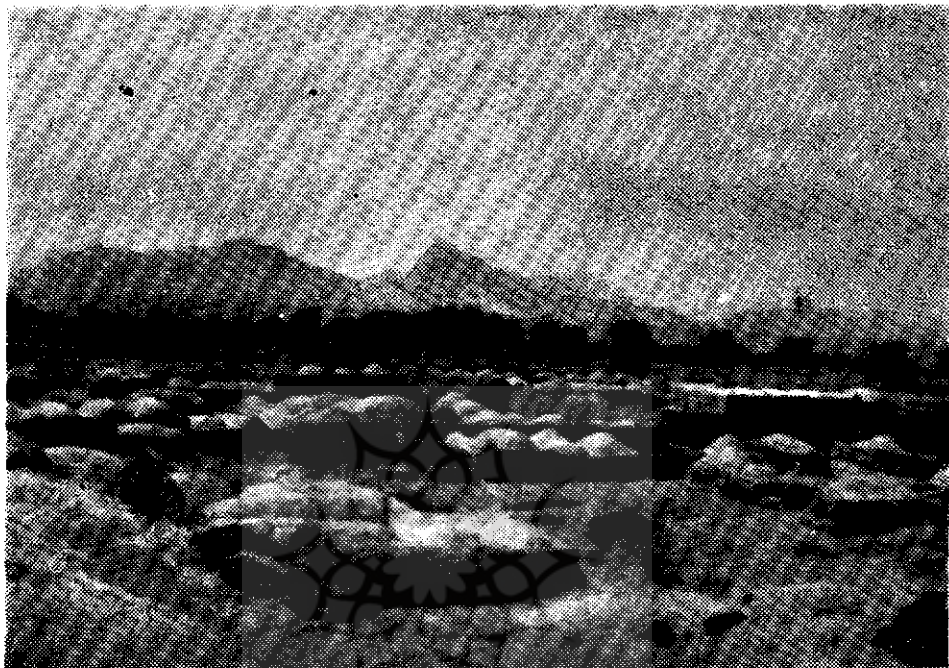


مقبره سید حسن غزنوی در آزادوار جوین

وقف بر مصارف مزار سید می باشد . در قریه خدا شاه مقبره دیگری است که هیچ گونه اثری که حاکی از معرفی صاحب قبر باشد ندارد و اهالی محل هم اسم او را نمی دانستند و نام خدا شاه که گاهی خراشاه هم می گویند بر اسامی پیروان اسمعیلیه شبیه است و محتمل است صاحب مقبره بنام خدا شاه بوده و قریه محل مدفن او تدریجاً بنام صاحب مقبره معروف شده باشد در این باب نیازمند به تحقیق و بررسی بیشتری هستیم .

قبر سعدالدین حموی شاگرد دومرید نجم الدین کبری که اصلاً اهل بحرآباد جوین

است در بحرآباد می باشد و در آنجا خانقاهی که تا چند قرن بعد از فوت سعدالدین حموی دایر و معمور بوده وجود داشته است (۱). حاکم نشین کنونی جوین قصبه‌ای است بنام **جغتای**



منظره کنونی قریه آزادوار جوین

که گویا سابقاً به اسم **کارژی** خوانده می شده است (۲) بعضی ادارات دولتی جوین در جغتای و برخی در قصبه نقاب در بالا جوین است اکنون توضیح می دهیم که اسم اصلی جوین چه بوده است . یاقوت حموی در جلد دوم معجم البلدان صفحه ۱۸۱ راجع به جوین چنین می نویسد: «جوین : تسمی‌ها اهل خراسان **گویان** فخرت فقیل جوین »

یاقوت که در اوایل قرن هفتم معجم البلدان را تالیف کرده شنیده که اهالی خراسان جوین را گویان می گویند و کلمه گویان معرب گردیده و به صورت جوین در آمده است اکنون اهالی جوین بکلی کلمه گویان را فراموش کرده و همواره معرب آن را در محاورات و مکاتبات خود استعمال می کنند .

۱- کنجکوبهای تاریخی سعدالدین حموی بقلم مرحوم سعید نفیسی
 ۲- این اسامی را از آقای میرزا رحیم خان ساکن محل که سالها اجدادش حاکم جوین بوده اند شنیدم .

عده‌ای زیاد از بزرگان و علماء و محدثین دانشمندان و شعراء و وزراء و غیره به جوین منسوب می‌باشند که اسامی آنها بقدری که مقتضی صفحات نامه آستان قدس باشد ذکر می‌شود .

علاوه بر قول یاقوت حموی سند دیگری برای کلمه گویان در دست است و آن این است که صاحب لباب الالباب (محمد عوفی) در شرح حال صدر اجل ملك السادات نیشابوری که مستوفی نیشابور بوده و سفری از نیشابور به اسفرائین رفته چنین می‌نویسد: « واز وی استماع افتاد که وقتی که به اسفرائین رفته شد در اثناء راه این رباعی افتاد :

تاریخ در این زمانه آئین آمد	گوئی که برای من مسکین آمد
از جور سپهر سزه‌وار این دل من	گویان گویان به اسفرائین آمد

سبزوار و اسفرائین و گویان سه ولایت است. سخت نیکو نشان داده است هر چند از راه طبیب بیان می‌کرده اما سخت مطبوع افتاده است .

در لباب الالباب چاپ پرفسور برون مصحح دقت نکرده و کلمه گویان را کوبان خوانده و کوبان چاپ شده است و هر گاه صاحب لباب الالباب توضیح نمی‌داد که سبزوار و اسفرائین و گویان سه ولایت است محتمل بوده که خواننده گویان را کوبان بخواند و تصور کند که مقصود گوینده آمدن پای کوبان به اسفرائین بوده و چون در خراسان ولایتی بنام کوبان نبوده نیست پس کلمه کوبان در چاپ لیدن لباب الالباب غلط است و اتفاقاً در کتاب لباب الالبابی که در سال ۱۳۳۵ شمسی به تصحیح مرحوم سعید نفیسی در طهران چاپ گردیده این رباعی را به همان هیئت طبع لیدن باقی گذارده و اشتباه معروض تکرار شده است .

آبادیهای جوین بعضی اسامی اصلی و قدیمه دارد از قبیل انداده - آزادوار - اناری ابویسان - جاوَرتن - بیست گرد - بزقان (بزگان) - دادیان - دستوران - رام شین ریواده - سامغان - شهرستانک - خسروشیر - فشان جرد (پشان گرد) - گوری - گنت (به فتح گک و سکون ف) - کهنه (به فتححتین) سیرغان - کارژی - ملای گرد - نقاب (نغ آب) - زرقان (زرگان) - زمند (به فتححتین) - گزندر - منیدر - شادمان و برخی دیگر از اسامی جوین با کلمه آباد ختم می‌شود که حاکی از تجدید آبادیهای سابق بدست دیگری است که نام خود را بر روی آبادی یا کلمه آباد قرار داده‌اند. اداره کل - آمار و ثبت احوال ایران نام تمام آبادیهای ایران را چاپ کرده و طبق صورتی که این بنده برای اسامی دهات جوین از آن مجموعه فراهم کرده‌ام تعداد آبادیهای جوین ۱۱۷ مورد دیدم ولیکن در کتاب فرهنگ جغرافیائی ایران جلد نهم که در اسفند ماه ۱۳۱۹

شهرسی به اهتمام تیمسار رزم آراء چاپ شده عدد آبادیهای جوین را ۹۷ مورد نوشته اند در صورتی که در همان کتاب تعداد آبادیهای مربوط به جوین که در تلو صفحات مختلفه ذکر شده است یکصد آبادی است. و در کتاب فرهنگ آبادیهای ایران تألیف آقای دکتر مفخم پایان که اسامی دهات ایران را از کتاب جغرافیائی ارتش استخراج کرده اند از تعداد یکصد آبادی دو مورد بنام دو برجه و خرآشیان از قلم افتاده است.

نکته دیگر این که از یکصد آبادی مذکور در کتاب جغرافیائی ارتش ۹۶ مورد آن از اسامی دهات با اسامی کتاب اداره آمار و ثبت احوال تطبیق می کند و ۴ مورد دیگر از اسامی در کتاب آمار نیست. و در عوض ۲۱ مورد از اسامی دهات که در کتاب اداره آمار ذکر شده در کتاب جغرافیائی ارتش نیامده است باین ترتیب تعداد آبادیها به ۱۲۱ می رسد. نکته دیگر این که مامورین جغرافیائی ارتش که دهات را اسم-نویسی و نقشه برداری و بررسی می کرده اند غالب آبادیها را منسوب به جغتای و اضافه بانجا کرده اند و حال آن که جغتای عبارت از يك آبادی از آبادیهای جوین است و عنوانی که دارد این است که حاکم نشین تمام جلگه است و تمام منطقه ابدأً به جغتای بستگی ندارد بلکه تمام آبادیهای در خاک جوین واقع شده و کلیه را جوین می نامند و بنده احتمال می دهم که آبادیهای جوین بیش از آنچه در کتاب آمار و ثبت احوال و فرهنگ جغرافیائی ارتش ذکر شده می باشد زیرا جزو اوقاف مقبره سید حسن غزنوی ملقب به اشرف چند سهم از آبادی پایاب ذکر شده که نام پایاب در هیچ يك از کتب مذکور بنظر نرسید.

در تمام خاک جوین سهامی از کماستان و یکدانک از سیرغان و ربع مزرعه کشوان وقف بر آستان قدس رضوی و در تصرف وقف می باشد و اتفاقاً نام کشوان که متصل به خدا شاه است در کتاب جغرافیائی ارتش و کتاب اداره آمار و ثبت احوال مطلقاً وجود ندارد.

یا قوت حموی راجع به جوین می نویسد که قصبه جوین آزادوار است و جوین دارای یکصد و هشتاد و نه قریه متصل به یکدیگر است در بین قراء جوین زمین بایره و افتاده و غیر آباد دیده نمی شود و چون حد شرقی جوین را یا قوت در کتاب معجم البلدان ذکر نکرده روشن نمی باشد که تعداد ۱۸۹ قریه تا چه قسمی از آبادیهای مجاور را شامل می شده و از این جهت نمی توان بطور قطع و یقین اظهار نظر کرد که قراء جوین در اوایل قرن هفتم بیشتر از تعداد آبادیهای فعلی جوین بوده است.

بهر حال اکنون بمورد است که نام بعضی از دانشمندان و علماء و مورخین و وزراء و عرفای منسوب به جوین را فهرست وار در کمال اختصار معروض بدارم:

۱- ابو موسی ابراهیم بن عبدالرحمن سهل الازاداری و ابو عبدالله محمد بن حفص بن-

محمد بن زیدالشمرانی النیسابوری الازادواری که در ۳۱۳ فوت کرده است و ابوالعباس محمود بن محمد بن محمود الازادواری و ابی حامد احمد بن محمد بن العباس الازادواری (۱) و این چند نفر منسوب به آزادوار هستند .

۲- موسی بن العباس بن محمد ابو عمران الجوینی که برای اخذ علم حدیث به دمشق و مکه و مصر سفر کرده و در سال ۳۲۳ قمری در آزادوار در گذشته است (۲).

۳- ابو محمد عبدالله بن یوسف الجوینی نزد پدرش یوسف الادیب و ابی الطیب سهل بن محمد صلواکی درس خوانده و برای کسب علم به مرو و بغداد سفر کرده و سپس به نیشابور آمده و در سال ۴۳۴ قمری فوت کرده است. این شخص پدر ابوالمعالی جوینی است که ذکر او قریباً بیاید و برادری داشته بنام ابوالحسن علی بن یوسف الجوینی معروف به شیخ الحجاز که فاضل و محدث و صوفی بوده و کتاب السلوة را نوشته و در سال ۴۶۳ قمری در نیشابور فوت کرده است (۳).

۴- ابوالمعالی عبدالملک بن ابو محمد عبدالله بن یوسف الجوینی ملقب به امام الحرمین که ساکن نیشابور بوده و کتاب نهاية المطلب را در مذهب شافعی و کتاب الشامل را به مذهب اشعری نوشته و در سال ۴۷۸ قمری هجری بدار باقی شتافته است (۴).

۵- سعدالدین ابو عبدالله محمد بن حمویه جوینی که ابن اثیر در گذشت او را در سال ۵۳۵ نوشته و این شخص جد چهارم سعدالدین حموی عارف معروف است و از اصحاب ابوالحسن بستنی بوده است (۵).

۶- احمد حمویه که ظاهراً برادر سعدالدین فوق الذکر است و در سال ۵۲۵ فوت کرده و از رجال صوفیه است .

۷- ابوالحسن علی بن محمد صوفی حموی جوینی از اصحاب ابو حامد غزالی طوسی و از شاگردان وی است و در اواسط قرن ششم در گذشته است (۷).

۸- ابوالفتح عمادالدین عمر بن علی بن شیخ محمد حمویه جوینی که عم پدر سعدالدین حموی معروف است و از خلفاء ابو علی فضل بن محمد فارمدی بوده سفری بشام کرده و درهما نجا ساکن شده است (۸).

۹- سعدالدین ابوالمفاخر محمد حموی (۹).

۱۰- صدرالدین ابوالحسن محمد حموی جوینی که از معارف مشایخ صوفیه شافعی است سفری به شام و مصر نموده و در شام سکونت اختیار کرده و در ۶۱۷ و ۶۱۸ در موصل در گذشته است (۱۰).

۱- ص ۱۷۵ جلد اول قاموس الاعلام ترکی

۲ و ۳ و ۴- معجم البلدان صفحه ۱۸۱ جلد دوم چاپ مصر

۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰- خاندان سعدالدین حموی در کنجکاو بیهای علمی و ادبی نشریه دانشگاه تهران

۱۱- عمادالدین ابوالفتح عمر مذهب اشعری داشته و درهصر در مدرسه شافعی مدرس بوده است .

۱۲- فخرالدین ابوالفضل یوسف حموی برادر عمادالدین فوق الذکر است که در دمشق متولد شده و در صورت تحصیل کرده و بدست فرنگان در جنگ منصوره در سال ۶۴۷ شهادت یافته است (۱) .

۱۳- عبدالله جوینی صوفی معروف به تاج الدین که در شام و مصر سکونت داشته است (۲) .
 ۱۴- عیسی بن احمد جوینی از اصحاب تاج الدین عبدالله که تمام عمر را مجرد زیسته و به طوری که نوشته اند غالباً روزه دار و شب زنده دار بوده و در سال ۶۵۵ فوت کرده است (۳) .

۱۵- محمد بن احمد جوینی مردی دانشمند و پرهیزگار و حافظ قرآن و برادر عیسی بن احمد است و در سال ۶۵۸ در گذشته است .

۱۶- سعدالدین ابوالسعادات که در بین خاندان حموی جوینی معروف و عارف شهیر نیمه اول قرن هفتم هجری در ایران می باشد و ذکرا و در کتب متصوفه مکرر آمده و لادتش در سال ۵۸۶ و در گذشت او در سال ۶۵۵ قمری و زمان سلطنت هلاکو خان مغول بوده است (۴) .
 سعدالدین که از معاریف مشایخ متصوفه است کتابی بنام محبوب در تصوف نوشته و با این که کتاب محبوب به لغت عربی است اشعار فارسی و ملمع خود را که شامل غزل و رباعی است ضمن بیان مطالب عرفانی بحسب اقتضا ذکر کرده است .

در سال ۱۳۳۳ شمسی نسخه خطی قریب به عهد مؤلف چند روزی به عاریت در اختیار این بنده قرار گرفت ضمن مطالعه کتاب تمام اشعار فارسی و ملمع و عربی مندرج در دو جلد محبوب را یادداشت کردم . بعضی از غزل های سعدالدین حموی شبیه غزل های مولوی در دیوان شمس تبریزی است و در حال شوق و ذوق و جذبه سروده شده است و در یکی از غزل های او که ملمع است کلمات فارسی و عربی بقسمی است که می رساند لهجه کنونی خراسان در قرن هفتم هجری در جوین معمول و متداول بوده است و خوانندگان محترم توجه دارند که در خراسان متکلم افعال منسوب به خود را باضمه بیان می کند و می گوید گفتم و رفتم و خوردم و عین این لهجه را در مطالعه غزل سعدالدین حموی در خواهیم یافت که آن به عنوان نمونه نقل می شود :

مستم ز هوا مستم	بی‌پا و سر و دستم	توبه ز تو بشکستم	در بتکده بنشستم
محبوبی احتسم	انتم هوام لستم	فی مجتمع الوادی	هل طفتم وعرستم
از عشق تو سرمستم	در بوی تودل بستم	دستی بسرم بر نه	کز پای غمت پستم
قد حل به قلبی	حیران انفستم	من جانبہ الایمن	نار لی آنستم
باده چوبین دادی	بی‌دستم و دردستم	دستم چو تو بنهادی	ازرنج و بلا رستم
حبیبی لکم حق	فی قلبی اجلستم	فی حق احسنتم	البستم و لبستم
از تو نظری جانا	وزهر دو جهان رستم	خوش باشم و خوش باشم	نه نیستم و نه هستم

(تمام افعال متکلم باضمه خواند می‌شود)

یکی از وقایع مهمه زمان سلاطین مغول در ایران که اثر بازر و بسیار عمیق در جریان امور مملکتی و ترویج دین اسلام و رفع مضیقۀ مسلمانان و احداث ابنیه خیریه و اشاعه خیرات و گسترش احکام دین مبین داشته مسلمان شدن چند نفر از سلاطین اخیر دودمان پادشاهان مغول در ایران بوده است و یکی از سلاطین مغولی که بدین حنیف اسلام گرویده غازان خان مغول است که بدست صدرالدین ابراهیم حموی جوینی فرزند شیخ سعدالدین حموی جوینی اسلام آورده و خود را محمود نامیده است .

۱۷- معین‌الدین جوینی از شاگردان سعدالدین یوسف بن صدرالدین ابراهیم بن- سعدالدین حموی جوینی است و کتابی به تقلید گلستان سمدی به نام نگارستان در سال ۷۳۵ در هفت باب نوشته است .

۱۸- شمس‌الدین محمد جوینی ملقب به صاحب دیوان وزیر هلاکو که برخی از قصاید سمدی و شعرای دیگر آن زمان بمدح این وزیر و برادرش عظاملک جوینی موشح است .

۱۹- علاءالدین عطا ملک جوینی حاکم عراق عرب و بغداد و مولف تاریخ جهان‌نگشا که در ۶۲۳ متولد شده و تاریخ خود را در سال ۶۵۵ در زمان هلاکو تالیف کرده است (۱) .

۲۰- مؤیدالدوله منتجب‌الدین بدیع‌اتابک الجوینی از منشیان دربار سلطان سنجر سلجوقی است و منشآت خود را بنام عتبه‌الکتبه فراهم آورده و کتاب او بهمت مرحوم علامه محمد قزوینی و مرحوم عباس اقبال رحمة‌الله علیهما در سال ۱۳۲۸ شمسی در تهران چاپ شده است . در این کتاب فرمانی است به عنوان تفویض شحنگی جوین که از لحاظ تاریخ اداری آن زمان اهمیت بسیار دارد و خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند با مراجعه به آن استفاده کنند .